

قضا و غذا

دکتر عیسیٰ کشوری

www.ketab.ir

چاپ
۱۳۸۵

سرشناسه	کشوری، عیسی، ۱۳۴۲-
عنوان و نام پدیدآور	قضا و غذا/ عیسی کشوری.
مشخصات نشر	تهران: دادگستر، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۳۶۰ ص.
شابک	۴-۰۶۲-۲۸۲-۰۹۷۸۶۰۰: ۲۱۵۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	فیفا
موضوع	داستان های طنز آمیز فارسی — قرن ۱۴
موضوع	قضاوت — لطایف و حکایات
رده بندی کنگره	۱۳۹۴: ۹قش/ ۸۳۵۸ PIR
رده بندی دیویی	۸ فا ۳/۶۲:
شماره گنجایشناسی ملی	۳۹۵۲۹۲۷:

قضا و غذا

مؤلف: دکتر عیسی کشوری

ناشر: انتشارات دادگستر

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۴

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۱۵۰۰ تومان

شابک: ۴-۰۶۲-۲۸۲-۰۹۷۸۶۰۰

همه ی حقوق چاپ و نشر این اثر برای نشر دادگستر محفوظ است. تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، از جمله: فتوکپی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم های بازیابی و پخش بدون دریافت مجوز کتبی و قبلی از ناشر ممنوع است. این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.

دفتر مرکزی انتشارات: تهران، میدان حضرت ولی عصر (عج)، بلوار کشاورز، ابتدای

خیابان فلسطین، کوچه شهید ذاکری، بن بست سوم، پلاک ۶

تلفن ۸۸۹۰۴۴۶۵ - ۸۸۹۰۵۴۶۰ فکس ۸۸۹۱۰۳۳۳

کدپستی: ۱۴۱۶۷۵۳۶۸۱

آدرس سایت: www.dadgostarpub.ir

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۱	بخش اول : حکایات
۲۲۵	بخش دوم : خاطرات
۲۹۳	بخش سوم : تعلیقات
۳۰۷	ترمینولوژی حقوقی (طنز)
۳۱۳	۱۱۰ ضرب‌المثل حقوقی در دنیای متفاوت فرهنگ‌های جوامع انسانی
۳۲۱	سخن حکیمان درباره عدالت
۳۳۵	سخن حکیمان درباره قضاوت
۳۴۱	توصیه‌های پسندیده راجع به قضاوت
۳۵۹	فهرست منابع

مقدمه

کتاب حاضر با هدف نقد و ایجاد انگیزه اصلاح رویه‌های قضایی ایران به زبان طنز نگاشته شده است حکایاتی است سراسر پند و عبرت: پندی جانکزا در لباس فاخر طنز که گونه فاخرش را عبید زاکانی در رساله دلکشا به رشته تحریر کشید. یکی از نکات نغز تاریخ ادبیات ایران که شاعران به دیده طنز تلخ اجتماعی بدان نگریسته‌اند. متأسفانه در منابع موثق دنیا، کشور ایران جزء جوامع افسرده به شمار می‌آید در حالی که وجود نشاط مهمترین عامل پیشرفت کشورها و ایجاد انگیزه اتحاد و همکاری در ملت‌هاست و به یقین جامعه افسرده و گریان هرگز پویا نیست و عقب مانده خواهد بود و خواهد ماند؛ شاید تفسیر نادرست از مذهب نیز، یکی از عوامل مؤثر در سیر نزولی ما و نبود نشاط و شادی است، چرا که مذهب را به صورتی ناقص و مجمل تفسیر کرده‌ایم به عنوان مثال؛ شهید مرتضی مطهری درباره حضرت علی (ع) می‌گوید: «او همیشه شاد و بذله‌گو بود، یکبار شورایی تشکیل شد و عده‌ای انتقاد کردند که او بذله‌گو و شاد است و صلاحیت حاکمیت را ندارد». در حالی که در ذهن مردم جامعه، علی (ع) را مردی جنگجو، شمشیر به دست، بالای سر شیری به تصویر کشیده‌ایم در صورتی که همه آن جنگ‌ها، موضوعی تخیلی به علی (ع) بود. ایشان در نهج‌البلاغه می‌فرمایند: «المومن بشره فی وجه» و پیامبر (ص) فرمودند: «الشيعه من شايع عليا»؛ بنابراین آیا شیعه واقعی می‌تواند افسرده و غمگین باشد و عوامل شادی و اسباب خنده و مزاح مردم را توقیف و محکوم و محبوسشان کند؟ در تاریخ کشور ما مجریان عادل‌ی چون کریم‌خان زند، انوشیروان، امیرکبیر... همیشه در دل و جان مردم تحسین برانگیز و ارزشمند بوده‌اند و ظالمان و اهل تملق حتی با گذشت زمان در یادها منفور و ملعون‌اند.

نگارنده در طول سالیانی که رخت قضاوت بر تن داشت، مدام به خویشتن خویش این تذکار را می‌داد که مباد به ورطه کژخواهی درافتی و قدم در منجلاب فساد و بی‌دینی نهی. در دوره‌های تدریسم نیز مدام بر این توصیه تاکید ورزده‌ام که مبادا به هوس لقمه نانی عدل علی (ع) را وانهد و شکمتان را گورستان حیوانات مرده سازید و آن را انبان مال حرام گردانید.

با همین دغدغه ذهنی بود که چند سال پیش تصمیم گرفتم تلنگری به آن عده معدود ناقضیان بزنم و عدالت را خلعت دیگری پوشم و عروس طبعم را دیگرگونه زیور بندم. لطایف‌القضا را با همین نگاه نگاشتم و قدم در این راه نهادم. راهی که مخاطبان فراوانی همراه ساخت و ثابت کرد که هنوز هم کتاب در سبد خانوارها جایی دارد.

پیگیریهای دوستان ارجمندم در این مدت را بر دیده نهادم و خاطرات و دلنوشته‌های پراکنده‌ام را سامان دیگری بخشیدم و شد همین کتابی که اکنون می‌خوانید.

یقیناً اکثریت قضات کشور به سوگند شرافت و ایمان خود پایبندند و آراء عادلانه و تصمیمات ارزشمندشان در همین دستگاه قضایی کشور با صدها جلد کتاب هم قابل گردآوری نخواهد بود؛ اما غرض و کنکاش طنز با اوست که استثناست، و توجه جامعه به سوی او جلب می‌شود و میزان تخریب و تحریم ایجادي توسط همان یک نفر چه بسا اصلاح کاری و استحکام شخصیتی دیگران را نیز مرذود کند.

در نتیجه معلولیت آراء و نحوه اجرا و تناقض اخلاقی و شخصیتی برخی قضات و مجریان، مسلماً فضای دادگاه‌ها و دستگاه‌های اجرایی از کاتبان تا قاضیان خشک و بی‌روح می‌شود، متأسفانه برخی قضات و مجریان عدالت با چهره‌هایی عبوس، رفتار نادرست و تحقیرآمیز و کاربرد الفاظ رکیک نه تنها سرمشق دیگران نیستند؛ بلکه ذهنیت مراجعین را نسبت به دستگاه قضایی

تخریب کرده و شخص را دچار یأس و بی‌پناهی می‌کنند، مردم از قضاات و مستندات و... سلب اعتماد کرده و گاه‌ا‌ برای فرار از بی‌گناهی و تهمت به دروغ و پرخاش متوسل می‌شوند.

هدف مؤلف از تألیف این کتاب؛ تحقیر و توهین به هیچ شخص و لباس و زمانی نیست و کاربرد نام مستعار برای اشخاص و تغییر زمان‌های گویای صداقت متن است؛ تنها بهانه‌ای جهت انتقال مفاهیم اصلی، اصلاح عملی قوانین و رفتار قانون‌گذارانی است که یقیناً در پیشرفت جامعه و تلطیف فضای دادگاه‌ها و ایجاد محیطی شاد و زنده بسیار مؤثرند.

وجه دیگر انتخاب نام قضا و غذا بر این کتاب آن است که همان‌گونه که عشق غذای روح آدمی است عدالت هم غذای جامعه انسانی است، مولوی عشق را درمان همه دردهای روح انسان و مونسکیو عدالت را شفای همه کجی‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی می‌داند:

خوش باش ای عشق خوش سودای ما ♦ ای طیب جملہ علت‌های ما
عشق درمان همه دردهای فرد است و عدالت درمان همه دردهای اجتماعی.
مسئله اهمیت عدالت از آزادی نیز بیشتر است، چرا که اگر عدل را دادن حق هر کس به او تعریف کنیم آزادی هم از جمله حقوق است پس در جامعه عادلانه آزادی هست و جایی که عدالت نباشد آزادی وجود نخواهد داشت، چرا که آزادی از جمله حقوق انسانی است که با وجود عدالت محقق می‌شود، جامعه بدون عدالت جامعه گرسنه‌ای است که هیچ چیز آن را سیر نمی‌کند.

اجتماع انسانی به آرامش نیاز دارد و تأمین‌کننده این آرامش دستگاه قضایی عدالت محور است اگر حقی تضییع شد این میزان قضا است که آن را بر جای خود می‌نشانند و آرامش را با نشان دادن حق بر جای خود به جامعه باز می‌گردانند

پس عدالت مهم‌ترین غذای جامعه است و بدون آن جامعه را باید جامعه‌ای قحطی زده و گرسنه محسوب کرد ...

کتاب حاضر از سه بخش تشکیل شده است:

بخش اول، مشتمل بر حکایاتی پراکنده با حضور مستعار اشخاصی چون؛ قاضی انارکی، چراغعلی، قوچعلی و بیوک‌خان که اعمال و گفتارشان، زبان حال دل‌دردمند مردم امروز کشورمان است. بخش دوم، شمه‌ای از خاطرات شخصی و تجارب مؤلف می‌باشد و بخش سوم در واقع پیوست و تعلیقی بر کل مطالب کتاب است که عنوان «تعلیقات» مجموعه‌ای از جملات حقوقی و اخلاقی، ضرب‌المثل‌های مرتبط و عبارت‌های عبرت‌آموز را جهت بسط و افزایش تأثیر مطالب در خود می‌گنجاند.

لازم به ذکر است که جمیع حکایات این کتاب، تنها یک قصه از قصه‌های هزار و یک شب ایران ماست؛ لذا خالی از نقص و بری از اشتباه نیست و تنها با اظهار و انتقادات سازنده شما خوانندگان عزیز اصلاح می‌شود.

dr.keshvari.i@gmail.com

عباسی کشوری

۱۳۹۴